



یادداشت

بیابان، نیازمند نگاه رویکردی جدید



امیررضا کشتکار

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات بین‌المللی بیابان

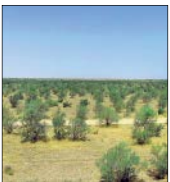
اختصاص منابع مناسب از دو کانال، یکی ستاد ملی مقابله با گردوغبار سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌واسطه واقع‌شدن برخی کانون‌های منشأ گردوغبار در اکوسیستم‌های بیابانی و دوم اعتبارات ملی، استانی و نیز منابع قابل‌توجه صندوق توسعه ملی (که‌ظاهراً در بودجه ۱۴۰۰ لحاظ نشده) که توسط سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری به‌عنوان متولی اصلی اکوسیستم‌های بیابانی، تخصیص یافته است، درواقع طی دوره دولت‌های یازدهم و دوازدهم به‌واسطه تخصیص اعتبارات مناسب، اقدامات خوبی از نظر کمی انجام شد اما این‌که آیا از نظر کیفی نیز پیامدهای مناسبی را متناسب با اهداف ترسیم‌شده به‌دنبال داشته یا خیر، نیازمند گذر زمان و ارزیابی علمی و دقیق است.

در این حوزه، طی سال‌های اخیر در قالب طرح‌های مقابله با بیابان‌زایی گام‌های مفیدی مانند نهال‌کاری و بهره‌برداری از پوشش گیاهی براساس ظرفیت، برداشته‌شده است. طرح‌های نهال‌کاری با استفاده از گونه‌های بومی انجام و به مدت دو سال، تحت مراقبت و نظارت قرار گرفته‌اند تا امکان حیات و زادآوری در محیط طبیعی را به‌دست آورند. به‌موارات عملیات بیولوژیک، اقداماتی نیز در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی ازجمله فعالیت‌های ترویجی-مشارکتی و تقویت کانون‌های اجتماعی صورت گرفته است. البته پیامدهای ناشی از این اقدامات، نیازمندبررسی است.

موضوع دیگری که همواره با نظرات متفاوت و دیدگاه‌های انتقادی همراه بوده، عملیات مالچ‌پاشی است. سازمان جنگل‌ها، دهه‌ها از مالچ‌های نفتی به‌منظور تثبیت ماسه‌های روان استفاده کرده است؛ رویکردی که همواره انتقاداتی را نیز از سوی صاحب‌نظران، متخصصان و دوستداران حوزه منابع طبیعی به‌واسطه پیامدهای محیط‌زیستی آن در پی داشته است که با توجه به ورود برخی شرکت‌های دانش بنیان به این حوزه و تولید مالچ‌های غیرنفتی و زیستی، می‌تواند به‌عنوان گزینه جایگزین مورد ارزیابی قرار گیرد.

آنچه شاید در این سال‌ها و شاید دهه‌ها مغفول مانده باشد اول، بحث حکمرانی واحد و نگاه مدیریتی جامع و نه‌بخشی در تمام عرصه‌های طبیعی و به‌طور خاص در مدیریت اکوسیستم‌های بیابانی است. گرچه به‌ظاهر در این عرصه‌ها، سازمان جنگل‌ها و دامداران به‌عنوان متولی اصلی و بهره‌برداران عمده شناخته‌شده‌اند اما در عمل، بهره‌برداری از منابع موجود در مناطق بیابانی توسط بخش‌های گوناگون ازجمله انرژی، صنعت و معدن صورت پذیرفته که بدون توجه به ارزیابی‌های دقیق محیط‌زیستی و اجتماعی (بلکه صرفاً اقتصادی واهی کوتاه‌مدت) همواره پیامدهای ناگوار و غیرقابل جبرانی در حوزه‌های گوناگون ازجمله وقوع پدیده‌های فرسایش خاک، سیل و گردوغبار را ششاد بوده‌ایم. پدیده‌هایی که به‌تبع آن در حوزه اجتماعی فقر، مهاجرت، حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها و بزه اجتماعی را به‌دنبال داشته است. دوم، نبود بهره‌برداری بهینه از برخی ظرفیت‌های موجود در بیابان‌ها به‌علت موقعیت جغرافیایی و شرایط محیطی، ازجمله منابع انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی) و گردشگری است.

بالین حال، فارغ از همه این‌ موضوعات، فکر می‌کنم یکی از اولویت‌های اصلی و مهم دولت آینده در حوزه مقابله با پدیده بیابان‌زایی، بهره‌برداری بهینه و پایدار در این اکوسیستم‌ها براساس توان سرزمینی و بر مبنای طرح‌های آمایش سرزمین خواهد بود. بدیهی است چنانچه بهره‌برداری از منابع در اکوسیستم‌های شکننده بیابانی چه از سوی مرتع‌داران و دامداران و چه از سوی سایر بخش‌ها به نحوی صورت پذیرد که اکوسیستم را دچار فشار مضاعف و خارج از توان نکند، بالطبع رخداد‌های طبیعی ازجمله خشکسالی نیز موجب تخریب و انحطاط شدید و برگشت‌ناپذیر اکوسیستم‌های طبیعی نشده و امکان بازآوری را از آنها سلب نخواهد کرد.



خطر بیابان‌هایی با ریشه انسانی

در روز جهانی مقابله با بیابان‌زایی نباید فراموش کرد که اصطلاح بیابان‌زدایی اصطلاح درستی نیست؛ چراکه بیابان یک اکوسیستم است و گونه‌های گیاهی و جانوری در این اکوسیستم زندگی می‌کنند.

بنابراین وقتی می‌گوییم بیابان‌زدایی این اصطلاح به نابودی بخشی از تنوع

زیستی و خزانه ژنتیکی کشور اشاره دارد.

به عبارت دیگر می‌توان گفت همان‌گونه که جنگل‌زدایی و مرتع‌زدایی اشتباه است، بیابان‌زدایی نیز غلط است. در این بین مساله‌ای که باید مانع آن

شویم این است که اجازه ندهیم فرآیند ویرانگری به نام بیابان‌زایی رخ دهد و



حدود ۱۰۰ میلیون هکتار از اراضی کشور در معرض بیابان‌زایی است و این مساله زندگی جوامع محلی را دشوارتر از گذشته کرده است



مهدی آینی

دبیر گروه جامعه

رودخانه‌ها پای رفتن ندارند، از بیشتر تالاب‌های کشور جز خاطراتی خشکیده چیزی باقی‌نمانده، خشکسالی بیش از گذشته حیات وحش کشور را به‌پرتگاه انقراض نزدیک کرده است، توفان ریزگرد‌ها، زندگی شهروندان را بیش از گذشته تهدید می‌کند. کم‌نیست روستاهایی که تخلیه‌شده و ساکنانش حاشیه‌نشین کلان‌شهرهای کشور شده‌اند؛ دولت‌های همسایه برای ساخت سد و محدودکردن آب‌های مرزی با یکدیگر در رقابت هستند اما دیپلماسی آب در کشورمان به فراموشی سپرده شده است. این‌ها برخی از مسائلی است که روند مقابله با بیابان‌زایی را در کشورمان دچار مشکل کرده است. در روز جهانی مقابله با بیابان‌زایی این نکات را با محمد درویش، فعال محیط‌زیست و عضو هیات علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور در میان گذاشته‌ایم و به بررسی عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم در زمینه مقابله با بیابان‌زایی پرداخته‌ایم.

عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم در حوزه مقابله با بیابان‌زایی

۸ «خیر» قاطع

برای بررسی عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم در مقابله با بیابان‌زایی باید فعالیت‌های مختلفی را در هشت سال گذشته مورد توجه قرار داد؛ فعالیت‌هایی که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است. جالب این‌که محمد درویش معتقد است دولت در هشت سال گذشته به هیچ‌یک از این مسائل به‌درستی عمل نکرده است.

❗ آیا در این مدت وضعیت رویش‌گاه‌های جنگلی بهتر شده است؟

خیر.

❗ آیا در این مدت روند آتش‌سوزی در جنگل‌ها را مدیریت و مهار کرده‌ایم؟

خیر.

❗ آیا برای مهار آتش‌سوزی جنگل‌ها توانسته‌ایم نیروی متخصص استخدام کنیم یا با لگرد‌های مناسب بهره بگیریم؟

خیر.

❗ آیا توانسته‌ایم پل ارتباطی مناسبی بین مردم و شهروندان ایجاد کنیم؟

خیر.

❗ آیا در هشت سال گذشته تعداد چاه‌های عمیق و

نیمه عمیق کاهش پیدا کرده است؟

خیر.

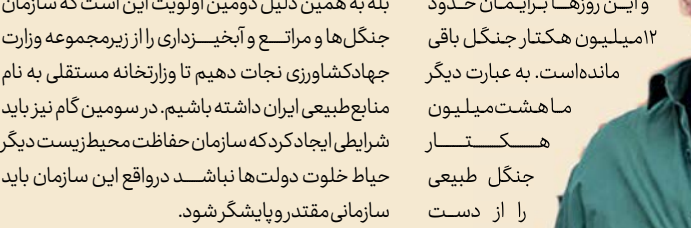
❗ آیا میزان سطح آب زیرزمینی کاهش پیدا کرده است و توانسته‌ایم فرآیندهای فرونشست زمین را در

۳ اولویت ویژه برای دولت سیزدهم

عملیات نجات جنگل‌ها

❗ به نظر شما دولت سیزدهم در حوزه مقابله با

بیابان‌زایی باید چه اولویت‌هایی را در دستور کار قرار دهد؟
مهم‌ترین اولویت این است که باید به مرمت زیستگاه‌های جنگلی کشور اهتمام ورزد. فراموش نکنیم در آغاز قرن چهاردهم حدود ۲۰ میلیون هکتار جنگل در کشور داشته‌ایم و این روزها برایمان حدود ۱۲ میلیون هکتار جنگل باقی مانده است. به عبارت دیگر ماهشت میلیون هکتار جنگل طبیعی را از دست



مهار بیابان‌زایی با جوامع محلی

❗ برای مقابله با بیابان‌زایی چگونه می‌توانیم از جوامع محلی کمک بگیریم؟
رمز مدد گرفتن از این جوامع این است که نگاه‌های امنیتی را از روی تشکل‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد برداریم تا آنها بتوانند برای نجات محیط‌زیست کشور تلاش کنند.

❗ مسئولان محیط‌زیست اخیراً ادعا کرده‌اند تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد بیشتر شده است.

در دولت اول آقای روحانی تعداد افزایش یافت اما در دولت دوم خیلی از سازمان‌های مردم‌نهاد از فعالیت باز ایستادند و می‌توان گفت این روزها بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد در بی‌عملی کامل به سر می‌برند.

به عبارت دیگر می‌توان گفت همان‌گونه که جنگل‌زدایی و مرتع‌زدایی اشتباه است، بیابان‌زدایی نیز غلط است. در این بین مساله‌ای که باید مانع آن

شویم این است که اجازه ندهیم فرآیند ویرانگری به نام بیابان‌زایی رخ دهد و

زیستی و خزانه ژنتیکی کشور اشاره دارد.

به عبارت دیگر می‌توان گفت همان‌گونه که جنگل‌زدایی و مرتع‌زدایی اشتباه است، بیابان‌زدایی نیز غلط است. در این بین مساله‌ای که باید مانع آن

شویم این است که اجازه ندهیم فرآیند ویرانگری به نام بیابان‌زایی رخ دهد و

محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها مترسک هستند!

مدیران محیط نیستی

❗ بنابراین شرط انتخاب این مدیران نیز باید عجیب باشد.

در واقع شرط انتخاب مدیر برای این دو سازمان این است که آنها بیشتر هوای رئیس خود را داشته باشند تا محیط‌زیست. برای نمونه در حکمی که وزیر جهاد کشاورزی به رئیس سازمان جنگل‌ها داده بود، آمده که شما موظف هستید ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی منابع طبیعی را تبدیل به اراضی دید و کنش‌آوری کنید. در واقع این شرط رئیس سازمان جنگل‌ها شدن بود. یا به رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌گویند به این شرط رئیس این سازمان می‌شوید که با انتقال آب خزر به کویر مرکزی سمنان موافقت کنید یا از محصولات تراریخته حمایت کنید.

رقابت همسایه‌ها در سدسازی در شرق و غرب کشور

دیپلماسی آب، خشکیده‌تر از بیابان

گفت ما نتوانسته‌ایم از دیپلماسی آب بهره ببریم، برای نمونه قادر نیستیم به دولت ترکیه فشار بیاوریم تا طرح بلندپروازانه گاپ را متوقف کند؛ دولتی که این روزها در حال سدسازی روی رودخانه ارس است. این درحالی است که با یک برگرد ساده می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست درستی در بحث دیپلماسی آب در پیش نگرفته‌ایم، برای نمونه ۱۲ میلیارد مترمکعب آب وارد کشور ما می‌شود و حدود ۱۱ میلیارد مترمکعب نیز آب از کشور خارج می‌شود، بنابراین ما نباید سیاست محدودسازی آب‌های مرزی را در پیش می‌گرفتیم، چرا که سدسازی ما حکم چراغ سبزی را برای دولت‌های همسایه دارد تا راحت‌تر به مهار آب‌های مرزی بپردازند.

رویای مراقبت از آب بر بادرفت

حفاظت از آب در خواب

❗ بنابراین در این حوزه نیز عقبگرد داشته‌ایم؟
در این مدت بیشتر به تفکر سازی پرداخته‌ایم. باید گفت اگر دولت پول بیشتری داشت فاجعه بزرگ‌تری در این حوزه اتفاق می‌افتاد؛ چرا که در تاریخ بی‌سابقه است سازمان

حفاظت محیط‌زیست به عنوان مجری طرح انتقال آب مطرح شود اما در دولت آقای روحانی، عیسی کلانتری، مامور اجرای طرح انتقال آب خزر به کویر مرکزی شد و این نشان می‌دهد که برخلاف شعارهایشان آقای کلانتری در این حوزه اقدامی نکرده و فقط همراهی مردم را از دست داده است.

خطر انقراض پژوهش

آمارهای خشکیده

برورکاسی شده‌اند. این روزها می‌گویند اگر شخصی می‌خواهد در بحث تحقیقات منابع طبیعی فعالیت کند باید برای خودش مشتری پیدا کند. این درحالی است که بخش خصوصی به‌معنای واقعی وجود ندارد که بخواهد برای کاهش تخریب بیابان‌زایی هزینه کند. علاوه براین نباید فراموش کرد چنین مسائلی وظیفه حاکمیتی دولت‌هاست. به همین دلیل می‌توان گفت ما می‌خواهیم نهاد‌های پژوهشی را به فراموشی بسپاریم.

خطر گونه‌های غیربومی

فراموش نکنیم اگر گونه مناسب با توان اقلیمی منطقه انتخاب نشود در درازمدت حتما منجر به افزایش خشکی منطقه می‌شود. این در حالی است که ما از گونه‌های غیربومی مانند کهور پاکستانی استفاده کرده‌ایم که حتی منجر به نابودی برخی گونه‌های بومی شده است.

❗ در برنامه‌های مقابله با بیابان‌زایی از گونه‌های گیاهی مناسبی نیز استفاده نمی‌شود. این مساله می‌تواند پروژه‌های مقابله با بیابان‌زایی را با شکست روبه‌رو کند؟

بله. برای نمونه می‌توان به پروژه‌های کشور چین در مقابله با بیابان‌زایی اشاره کرد که با شکست بزرگی روبه‌رو شده است.